

گزارش

گزارش الجزیره

از کارزار کشته سازی حوادث دی ماه

آمارسازی برای توجیه مداخله نظامی در ایران

از زمان اعتراضات در ایران، بحث‌هایی در مورد تعداد واقعی کشته‌شدگان این وقایع وجود داشته است. طبق آمار ارائه شده توسط دولت ایران ۳۱۷۷ نفر، از جمله غیرنظامیان و نیروهای امنیتی کشته شده‌اند. با این حال، برآوردهای خارج از کشور این تعداد را بین ۳۰۰ تا ۳۶۵۰۰ نفر اعلام کرده است.

این طیف گسترده نه تنها نشان دهنده این واقعیت است که تأیید این گزارش‌ها بسیار دشوار بوده است، بلکه نشان می‌دهد که تلاش هماهنگی برای استفاده از تعداد جانباختگان جهت جلب رضایت جهانی برای حمله به ایران و در لفاظی‌های فریبکارانه، کم‌اهمیت جلوه دادن آمار رسمی کشته‌شدگان نسل‌کشی در غزه وجود داشته است. از زمان شروع اعتراضات، مسابقه‌ای برای تخمین و گزارش تلفات در جریان بوده است. سازمان‌های حقوق بشری متمرکز بر ایران به رهبری فعالان مخالف، انواع شواهد و شهادت‌ها را برای تأیید تعداد کشته‌شدگان بررسی کرده‌اند.

سازمان هرنام مستقر در ایالات متحده، بیش از ۶۰۰۰ مورد مرگ و بیش از ۱۷۰۰۰ مورد دیگر را در دست بررسی ذکر کرده است.

با این حال، تردیدهای موجهی در مورد سرعت فرآیند تأیید هویت وجود دارد. برای هر مرگ گزارش شده، باید چندین روایت بررسی شود، موارد تکراری احتمالی شناسایی و حذف شوند و تاریخ‌ها، مکان‌ها و شرایط خاص باید با جدول زمانی وقایع تطبیق داده شوند. علاوه براین هرگونه شواهد بصری باید بر اساس داده‌های منبع یا زبومی سازی و تأیید شود یا توسط روایت‌های شاهدان متعدد تأیید شود. از دیدگاه تحقیقاتی، اعتبار و کیفیت شمارش‌های انجام‌شده توسط فعالان که روزانه به سرعت در حال افزایش است، احتیاط را می‌طلبد. با وجود این، رسانه‌های بزرگ شروع به انتشار ارقام بسیار بالاتری کرده‌اند، صرفاً بر اساس منابع مبهم و ناشناسی که ادعا می‌کنند دسترسی ویژه‌ای در دولت یا بخش بهداشت ایران دارند.

در ۲۵ ژانویه، شبکه معاند ایران اینترنشنال مستقر در بریتانیا گزارشی منتشر کرد که در آن ادعا شده بود ۳۶۵۰۰ نفر کشته شده‌اند و به «گزارش‌های گسترده‌ای» که ظاهراً از دستگاه امنیتی ایران به دست آمده بود، استناد کرد؛ گزارش‌هایی که نه منتشر شده و نه به طور شفاف در مورد آنها اطلاع‌رسانی شده است.

در همان روز، مجله خبری آمریکایی تایم مقاله‌ای با عنوان «به گفته مقامات بهداشتی محلی، تعداد کشته‌شدگان اعتراضات ایران می‌تواند از ۳۰۰۰ نفر فراتر رود» منتشر کرد. این رسانه آمریکایی بر اساس روایت‌های دو مقام ارشد وزارت بهداشت کشور که هویت آنها به دلایل امنیتی فاش نشده است، ادعا کرد که «ممکن است تنها در ۸ و ۹ ژانویه ۳۰۰۰ نفر در خیابان‌های ایران کشته شده باشند»، نکته قابل توجه این است که تایم در متن خود اذعان کرده است که هیچ وسیله‌ای برای تأیید مستقل این تعداد ندارد.

دو روز بعد، روزنامه بریتانیایی گاردین همین روند را با مقاله‌ای با عنوان «جسادهای پدید شده، دفن‌های دسته جمعی و ۳۰ هزار کشته: حقیقت آمار مرگ و میر ایران چیست؟» دنبال کرد. این مقاله رقم ۳۰ هزار را بر اساس تخمین‌های یک پزشک ناشناس که با این روزنامه صحبت کرده بود، معرفی کرد. این رسانه اذعان کرد که او و همکارانش در ایران در واقع از ارائه رقم شخصی خودداری کردند.

رسانه‌های دیگر - از ساندی تایمز گرفته تا برنامه بدون سانسور پیرس مورگان - به مقالات منتشر شده توسط امیر پرستا، چشم‌پزشک ساکن آلمان استناد کرده‌اند که ادعا می‌کند تعداد کشته‌شدگان بین ۱۶۵۰۰ تا ۳۳۰۰۰ نفر است. با این حال، آخرین نسخه موجود از این مقاله، که به ۲۲ ژانویه برمی‌گردد، از روش‌های استروایی بحث‌برانگیز برای رسیدن به این ارقام بدون‌بیم می‌کند. نکته جالب توجه این است که پرستا هیچ پنهان‌کاری در مورد وابستگی خود به رضا پهلوی پسر شاه مخلوع ایران نمی‌کند. او تیمش که تحقیقات اخیر روزنامه اسرائیلی هازرتس، دستکاری گسترده رسانه‌های اجتماعی و تلاش‌هایشان برای انتشار اطلاعات نادرست را افشا کرده است، بازیگران اصلی در تحریک و تشدید اعتراضات اخیر به سمت رویارویی بوده‌اند. بر این اساس، آمار تلفات منتشر شده توسط آقای پرستا را نمی‌توان بی‌طرفانه دانست.

رسانه‌های مورد بحث، با وجود اذعان به ناتوانی خود در تأیید این تخمین‌ها، این ارقام اغراق‌آمیز را در عناوین و زیرعنوان‌ها قرار دادند. فعالان و سیاستمداران غربی نیز از آنها برای پیشبرد دستور کارهای خود استفاده کرده‌اند و بدین ترتیب به موجی از کمین‌های دروغ‌پراکنی در رسانه‌های اجتماعی دامن زده‌اند.

همه اینها دو هدف را دنبال کرده است: اول، از تلاش‌ها برای جلب رضایت برای مداخله نظامی خارجی و اقدامات سیاسی مخرب حمایت کرده است. دوم، گمانه‌زنی‌ها در مورد تعداد کشته‌شدگان ایران به سیاستمداران و مفسران طرفدار اسرائیل در غرب کمک کرده است تا تلفات جنگ اسرائیل علیه غزه را کم‌اهمیت جلوه دهند.

به این ترتیب، این موضوع به ابزاری سودمند برای نسبی جلوه دادن نسل‌کشی مردم فلسطین تبدیل شده است.

فرآیند دشوار تأیید مرگ‌های اخیر برای افشای دستکاری رسانه‌ای که بار دیگر زمینه را برای یک اقدام تجاوزکارانه یکجانبه به رهبری ایالات متحده در خاورمیانه آماده می‌کند، بسیار مهم است، با توجه به این موضوع، «المپیک تلفات» همچنان یک بی‌احترامی ننگین به مردم کره زمین از فلسطین گرفته تا ایران است.

«ایران» نتایج و بازتاب‌های انتشار اسامی جانباختگان را با اساتید و فعالان رسانه‌ای به بحث گذاشت

تقویت مرجعیت داخلی خبر

گزارش

کروه سیاسی / «بر خلاف دشمنان و بدخواهان تاریخی این سرزمین که با جان افراد جوان یک عدد و رقم معامله می‌کنند و با افزودن برآن سعی بر انتفاع سیاسی خود دارند، از منظر دولت جمهوری اسلامی ایران جانباختگان این حوادث تلخ صرفاً یک عدد نیستند و هر کدام از این قربانیان یک جامعه و دنیایی از پیوندها بوده‌اند. هر ایرانی برای ما به مثابه یک ایران است و رئیس جمهوری بنابر وظیفه اخلاقی و عهد و پیمانی که با ملت بسته است خود را پاسدار حقوق آنان می‌داند.»

این جملات بخشی از اطلاعیه دفتر رئیس جمهوری است که طی آن اسامی جانباختگان حوادث اخیر به صورت رسمی منتشر شد. بنا بر این اطلاعیه، اقدام به انتشار اسامی جانباختگان بر اساس سیاست شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و به دستور رئیس جمهوری بوده است. البته اقدام یاد شده به انتشار اسامی محدود نمانده و قرار است به‌زودی سامانه‌ای جدید طراحی شود تا بدون پیچیده‌سازی اداری و با رعایت شأن و حریم خصوصی هرگونه اطلاعات و ادعای جدید مورد بررسی و

بررسی‌های قابل راستی آزمایی



محمد مهجری
عضو شورای سردبیری خبرآنلاین

دولت اسامی جانباختگان ناآرامی‌های اخیر را منتشر کرد. به نظر من اصل کاری که در این اقدام رعایت شد، شفافیتی بود که به هر حال در نحوه اعلام اسامی وجود داشت و اینکه نام‌ها به شکلی مشخص و رسمی در اختیار افکار عمومی قرار گرفت. در واقع این اقدام، کار ارزشمندی بود و نتوانست تا حد زیادی تبلیغاتی را که رسانه‌های فارسی‌زبان بیگانه و حتی برخی خبرگزاری‌های خارجی علیه ایران انجام می‌دادند، بی‌اثر کند. به عبارت دیگر، اکنون توب در زمین همان رسانه‌هاست: رسانه‌هایی که پیش از این هر اسامی را می‌توانستند به‌عنوان ادعا مطرح کنند و چون فهرست رسمی وجود نداشت، آن ادعاها تا حدی مقبول هم پیدا می‌کرد.

اما حالا شرایط فرق کرده است. وقتی دولت اسامی را اعلام

قدم‌های تکمیلی بعد از انتشار اسامی



مجید رضاییان
استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم

آیا می‌توان انتشار اسامی و مشخصات جانباختگان حوادث دی‌ماه را از سوی دولت با خواست رئیس جمهوری اقدامی مثبت و آنگنان که تأکید شده به عنوان ادعای تحقق شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی ارزیابی کرد؟ پاسخ به این سؤال به شرطی می‌تواند آری باشد که این اقدام را صرفاً گام اول از سلسله اقدامات ضروری آتی بدانیم.

انتشار اسامی جانباختگان اقدامی تاریخی بود



محمد عطارفانر
عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت

عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی اقدام بی‌سابقه دولت در انتشار اسامی جانباختگان را گامی معنادر و قابل تقدیر خواند و گفت: «اطلاع‌رسانی، کاهش هیجان و دغدغه جامعه و هزینه‌های امنیتی نظام را به‌دنبال دارد.»

وی در گفت‌وگو با «ایرنا» با بیان دیدگاه خود، گفت: «زمانی که ما یک قربانی را مطرح می‌کنیم—چه در مقام شهید قرار گرفته باشد و چه در مقام کسی که خود قربانی‌کننده دیگران بوده و کشته شده است—هنگامی که نام او را ذکر می‌کنیم، هویت وی را به رسمیت می‌شناسیم و اجازه نمی‌دهیم که آن نام در ابهامی باقی بماند. در قالب این پوشش و تسلیع انجام دهنده از مظلومیت یا احساسات با روایت‌های اغراق‌آمیز از آن شکل نخواهد گرفت و این گام، گامی بسیار مؤثر است. از منظر خانوادگی نیز هر کدام از این کشته‌شدگان متعلق به خانواده خود هستند و خانواده‌ها به صورت طبیعی به

کرده، هر رسانه یا فردی که مدعی وجود نام جدیدی باشد، باید مشخصات آن فرد، از جمله کد ملی و هویت دقیقش را ارائه کند. این اطلاعات به‌راحتی قابل پیگیری است و می‌توان بررسی کرد که آیا آن فرد واقعاً جزو قربانیان این حوادث بوده یا نه. بنابراین فضا از حالت شایعه‌محور خارج شده و به سمت بررسی مستند و قابل راستی‌آزمایی رفته است. این همان نقطه‌ای است که شفافیت معنا پیدا می‌کند و اجازه نمی‌دهد ه‌رادعایی بدون پشتوانه در افکار عمومی پخش شود.

در داخل هم البته برخی انتقاده‌ها مطرح شد، بویژه از سوی کسانی که متعلق با نزدیک به یک جناح سیاسی خاص هستند، مثل یکی از نمایندگان تهران در مجلس که گفته چرا اسامی جانباختگان بدون تفکیک و همه یک با منتشر شده است. در پاسخ به این نگاه، به نظر می‌شود از همان حکایت معروف ملانصرالدین استفاده کرد. می‌گویند ملا با پسرش و لاغی راهی سفر شد. اول خودش سوار شد و پسرش پیاده راه می‌رفت.

ضرورت این است که گزارشی که ارائه شده از جمله عدد و آمار آن به سمت کامل و جامع شدن برود. به این معنا که هیچ ابهامی باقی نماند و در نهایت با پوشش جمیع نهادهای متولی و راستی‌آزمایی مواردی که از سوی منابع مختلف اعلام می‌شوند؛ به گزارشی مستند و قابل اتکا تبدیل شود که نسبت به آن، دیگر حرف ثانوی وجود نداشته باشد.

قدم دیگر پس از شفاف‌سازی ابعاد مختلف مسأله، «برقراری ارتباط دوسویه با مردم و شنیدن صدای آنها» به معنای واقعی کلمه است.

زیرا اگر غیر از این باشد؛ نتیجه چیزی جز سوختن سرمایه



بهروز بهزادی
سردبیر روزنامه اعتماد

پاسخ به درخواست مردم برای آگاهی از حقیقت

در میانه حوادث و رخداد‌های اخیر، جامعه با دو مسأله همزمان و به‌هم‌پیوسته روبه‌رو است: مسأله‌ی که نادیده گرفتن هرکدام، مسیر افق‌افکار عمومی را با مشکل مواجه می‌کند. مسأله اول اقناع مردم است: مردمی که هنوز درباره چرایی وقوع اتفاقات، عوامل مؤثر و سهم هر بازیگر قانع نشده‌اند.

در این‌فضا، حاکمیت و دولت یک روایت دارند و رسانه‌های خارج از کشور روایتی دیگر. افکارعمومی اما، نه در پی روایت رسمی صرف است و نه نسخه رسانه‌های برون‌مرزی را بی‌چون‌وچرا می‌پذیرد؛ مردم به‌دنبال «حقیقت» هستند، حقیقتی که از دل شفافیت، گفت‌وگو و ارائه اطلاعات دقیق بیرون می‌آید. مسأله دوم، نوع عملکرد دولت است: دولتی که برای بازسازی اعتماد، ناگزیر از اصلاح درونی است. بازگشت به تأکید بر مسائل مرمزی همچون فساد و آغاز جدی فرآیند فسادزدایی، نه یک شعار، بلکه یک ضرورت است. افکارعمومی به‌خوبی تشخیص می‌دهد که کدام اقدامات واقعی و کدام صرفاً نمایشی است. بنابراین اصلاح ساختارها و پیگیری شفاف تخلفات گذشته، باید هم در عمل و هم در رسانه‌ها بازتاب پیدا کند و استمرار داشته باشد.

در این میان، اعلام رسمی اسامی جانباختگان به‌ویژه از حیث پاسخ به انتظار مردم برای آگاهی از حقیقت اهمیت ویژه‌ای دارد. این اقدام، اگرچه در ذات خود جزو وظایف حرفه‌ای مطبوعات و رسانه‌هاست، اما ورود دولت به این عرصه را باید به فال نیک گرفت.

مردم گفتند چه مرد بی‌انصافی است که بچه را پیاده می‌برد و خودش سوار است. ملا پیاده شد و پسرش را سوار کرد. کمی جلوتر گفتند چه بچه بی‌ملاحظه‌ای که پدرش پیاده است و خودش سوار. بعد هر دو سوار الاغ شدند. باز بعد از گفتند این دو نفر به حیوان ظلم کرده و الاغ را خسته می‌کنند. در نهایت ملا و پسرش الاغ را برداشتند و روی دوش گرفتند و باز هم مردم ایراد گرفتند! این قصه دقیقاً شبیه وضعیت امروز است. برخی جریان‌های افراطی هر کاری که جمهوری اسلامی انجام دهد، باز هم دنبال بهانه‌ای برای اعتراض می‌گردند. اگر اسامی اعلام نشود، می‌گویند چرا پنهان‌کاری شده؛ اگر اعلام شود، می‌گویند چرا این‌گونه منتشر شده است. مهم این است که اصل کار، یعنی اطلاع‌رسانی شفاف و مستند انجام و فضا از شایعه و جنگ روانی دور شده است. در چنین شرایطی، به جای توجه به حاشیه‌سازی‌ها، باید به همین مسیر شفافیت و پاسخگویی تکیه کرد؛ مسیری که هم اعتماد عمومی را تقویت می‌کند و هم امکان سوءاستفاده رسانه‌ای را کاهش می‌دهد.

اجتماعی و از دست رفتن بیش از پیش مرجعیت رسانه و تبعات ناخوشایند دیگری از این دست نخواهد بود. یکی از مهم‌ترین الزامات شفاف سازی، ارتباط دوسویه با مردم و حفظ سرمایه اجتماعی به رسمیت شناختن «اعتراض» با رویکرد دوسویه «تغییر» است. اینکه ما بگوییم اصل اعتراض را پذیرفته‌ایم کافی نیست. این را که قانون اساسی به رسمیت شناخته است. زمانی می‌توانیم بگوییم که اصل اعتراض‌ها را پذیرفته‌ایم که دست به تغییر بزنیم. تغییری که شاید همین رفتار متفاوت دولت در مواجهه با مسأله اطلاع‌رسانی درباره کشته‌شدگان حوادث ناگوار اخیر بتواند گام اول آن باشد.

دنبال این هستند که رد نام فرزند، برادر، خواهر، همسر یا هر کسی که کشته شده است را در نسبت با مسئولیت دولت پیگیری و جست‌وجو کنند. عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی افزود: «از این جهت، خانواده در وضعیت تعلیق قرار نمی‌گیرد و می‌تواند موضوع را به صورت کاملاً واقعی مرور کند، آن را در ذهن خود بسته‌بندی کند و به عنوان یک امر و یک اتفاق تاریخی از آن عبور کند، تا دیگران نام و موضوع در ابهام برای همیشه در ذهنش باقی نماند.» وی با بیان این نکته که «در گذشته نسبت به این تکلیف تاریخی اقدام موقیع انجام نمی‌شد» و «این اولین بار است که این دغدغه به رسمیت شناخته شده است»، بر ضرورت ایفای نقش نهادهای واسط تأکید کرد و گفت: «در چنین موقعیتی، تأسیس نهادهای واسط و مجموعه‌هایی که به عنوان نهادهای مدنی-اجتماعی تلاش می‌کنند تا علت‌یابی، بررسی و پژوهش کنند، رشته‌یابی انجام دهند و با جامعه گفت‌وگوی انتقادی برقرار کنند و ظرفیت‌های طبقه متوسط جامعه را به کار گیرند، در تقویت مشروعیت نظام مؤثر است و همزمان برای مردم و شهروندان نیز امنیت‌بخش خواهد بود.»

در همه دنیا، یکی از کارکردهای اصلی رسانه‌ها، تشریح، تحلیل و روایت واقعیت‌های جامعه برای مردم است؛ واقعیت‌هایی که جلوی شایعه را می‌گیرد و مرز میان خبر و گمانه‌زنی را روشن می‌کند. اعلام اسامی جانباختگان، بسیاری از شایعاتی را که در فضای مجازی و رسانه‌های خارجی زده می‌شود، به زمین واقعیت می‌کشاند و آن را از یک روایت مبهم به خبری مستند تبدیل می‌کند.

البته این امر مستلزم سازوکاری قابل اعتماد است؛ اگر افراد یا نهادهایی که مورد اعتماد عمومی‌اند، مسئولیت احراز هویت و جمع‌آوری اطلاعات جانباختگان را بر عهده داشته باشند، بخش بزرگی از مناقشات آماری و روانی حل خواهد شد. امروز در خارج از کشور، تریبون‌هایی فعال‌اند که اعداد و ارقامی شگفت‌آور مطرح می‌کنند، اما پاسخ به این فضاسازی، نه با انکار، بلکه با ارائه واقعیت‌های دقیق در داخل کشور ممکن است.

در کنار اینها، گفت‌وگوی رسانه‌ها با خانواده‌های جانباختگان، درباره زندگی، مطالبات و دغدغه‌های آنان می‌تواند تصویری واقعی‌تر از ماجرا ارائه دهد؛ تصویری که هم به جامعه و هم به حاکمیت برای فهم بهتر ریشه‌ها و اصلاح مسیر کمک می‌کند. شفافیت، اگر به‌درستی و مستمر دنبال شود، نه تهدید، بلکه فرصتی برای ترمیم اعتماد از دست‌رفته است.

بنابراین همچنان که باید از اقدام دولت برای انتشار فهرست اسامی جانباختگان حوادث اخیر و اعلام آمادگی آن برای تکمیل این فهرست به واسطه اعلام اسامی و راستی‌آزمایی آن استقبال کرد باید این انتظار را نیز مطرح ساخت که امکان پیگیری‌های مستقل برای رسانه‌های داخل کشور و بازگرداندن مرجعیت رسانه‌ای به درون مرزها فراهم شود.

تغییر زمین بازی به نفع طرفداران واقعیت



محمد زعیم‌زاده
سردبیر روزنامه فرهیختگان

اقدام اخیر دولت در راستای ارائه آمار دقیق و مستند از جانباختگان رویدادهای اخیر، اقدامی ضروری و روبه‌جلو بود. این حرکت هوشمندانه، ابتکار عمل را به فضای رسانه‌ای بازمی‌گرداند و زمینه‌ساز پاسخگویی شفاف و مبتنی بر واقعیت می‌شود. در شرایطی که رسانه‌های معارض و جریان‌های رویزیستون وابسته، با اهداف کاملاً سیاسی و اغلب در جهت منافع بیگانه، اقدام به پخش آمارهای غیرمستند و اغراق‌آمیز می‌کنند، ضرورت مقابله با این ادعاها از طریق ارائه داده‌های معتبر و قابل استناد دوچندان می‌شود. با رسانه‌ها، با ادعاهاهی همچون اعلام «تعداد کشته‌های نجومی ۵۰ تا ۶۰ هزار نفر»، خود را در موقعیتی قرار داده‌اند که باید پاسخگوی ادعاهایشان باشند. حال که دستگاه‌های ذصلاح داخلی در حال ارائه آمار رسمی هستند، زمین بازی به نفع طرفداران واقعیت و شفافیت تغییر کرده است. ادعای بزرگ، نیازمند مدرک بزرگ است. انتظار منتقلی و به‌حق این است که رسانه‌هایی مانند «اینترنشنال» که چنینراقمی را منتشر کرده‌اند، اکنون لیست مستند و کامل اسامی و کدهای ملی ادعایی خود را به صورت عمومی و برای نهادهای ناظر ارائه دهند. ناآوانی در ارائه چنین اسنادی، نه تنها بی‌اعتباری این‌گونه ادعاها ی رسانه‌ای را آشکار می‌سازد، بلکه کل گفت‌وگو و روایت‌سازی این جریان‌های معارض را زیر سؤال می‌برد. این رویکرد، الگویی مؤثر برای خنثی‌سازی تبلیغات دشمن و تقویت اعتماد عمومی از طریق تکیه بر حقایق غیرقابل انکار است. بنابراین، اقدام گوتی گامی اساسی در افشای دروغ‌پردازی‌های سازمان‌یافته و تثبیت روایتی دقیق و ملی از وقایع است.

یک تصمیم‌بهننگام



محسن مه‌دیان
مدیرعامل مؤسسه همشهری

انتشار فهرست اسامی جانباختگان، فارغ از هر ملاحظه سیاسی، یک اقدام درست و به‌موقع بود؛ ابتکاری ضروری برای مقابله با «دروغ‌های بزرگ» و پروژه کشته‌سازی که سال‌هاست یکی از ابزارهای اصلی جنگ شناختی علیه افکار عمومی ایران است. در میدان نبرد روایت‌ها، عدد بی‌نام، خوراک شایعه است؛ اما «اسم» روایت را از انتزاع بیرون می‌کشد و آن را به واقعیت قابل راستی‌آزمایی کره می‌زند. دروغ

بزرگ همیشه بر ابهام سوار می‌شود. وقتی گفته می‌شود «۲۰ یا ۵۰ هزار نفر کشته شده‌اند» بدون نام، بدون هویت، بدون تاریخ و محل، ذهن مخاطب درگیر تصویرسازی‌های هیجانی می‌شود؛ تصویری که نه امکان بررسی دارد و نه امکان تکذیب مؤثر. انتشار لیست اسامی این زنجیره را قطع می‌کند و امکان پرسشگری دقیق فراهم می‌شود: چه کسی؟ کی؟ کجا؟ چگونه؟ این اقدام چند اثر مهم دیگر هم دارد. نخست، بازیگری مرجعیت خبر است. در سال‌های اخیر، رسانه‌های معاند تلاش کرده‌اند خود را مرجع آمار و روایت معرفی کنند. انتشار رسمی و شفاف اسامی، این مرجعیت جعلی را به چالش می‌کشد و ابتکار عمل را به دست روایت داخلی بازمی‌گرداند. دوم، احترام به حقیقت و شأن انسان‌هاست. کشته‌شدگان، ابزار جنگ روانی نیستند که در قالب اعداد متورم مصرف شوند. نام بردن از آنها، مانع گالایی‌شدن مرگ و سوءاستفاده سیاسی از خون انسان‌ها می‌شود. در نهایت، این اقدام صرفاً یک پاسخ رسانه‌ای نیست؛ یک پیام راهبردی است. در برابر جنگ روایت‌ها، نه با هیجان، بلکه با شفافیت، دقت و اتکا به واقعیت می‌توان ایستاد.

کرد: «پس از جنگ ۱۲ روزه و ادامه اقدامات مذبذبه آمریکایی-صهیونی، در دکتربین دفاعی کشور تجدیدنظر شده و به دکتربین اقتصادی نیروهای مسلح، مبتنی بر رویکرد عملیات برق‌آسا و دامنه‌دار، با اتخاذ راهبردهای نظامی ناممگرا و کوبنده تغییر دادیم.» وی تصریح کرد: «براین اساس، اقدام ما سریع، قاطع و به‌دور از محاسبات آمریکا خواهد بود.» سرلشکر موسوی این را هم گفت که نیروهای مسلح هیچ راهم‌ای از سروصدا گوساله سامری و هیمنه ظاهری دشمن ندارند و برای رویارویی و زدن سیلی انتقام، کاملاً آماده‌اند.

منطقه، آمریکا و همراهانش را در خود خواهد سوزاند.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح کشورمان اشاره‌ای هم به موضوع محاصره دریایی ایران که از رسانه‌های غربی به گوش می‌رسد، داشت. وی گفت: «آن‌هایی که از محاصره دریایی سخن می‌گویند، بهتر است یک بار دیگر درس‌های جغرافیا و ژئوپلیتیک را مرور کنند؛ ایران قدرتمند و موسوی، جایی بود که از تغییر دکتربین نظامی ایران خبر داد.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح اظهار

کردند و آنها را شکست دادند. در فتنه دی‌ماه نیز، طرح شبهه‌گودنای دشمن داعشی‌وار آمریکایی صهیونی را ناکام گذاشتند.» سرلشکر موسوی در بخش دیگری از سخنان خود، با تأکید بر اینکه آنچه دشمنان، بویژه آمریکا، باید بدانند این است که انگیزه نیروهای مسلح ما برای جنگیدن در برابر دشمن، هیچ‌گاه مانند امروز نبوده است؛ اظهار کرد: «ما مجبور هستیم باقی مانده و کوچک‌ترهای روز سی‌دهم باقی مانده؛ در جنگ ایران، دست‌ما را برای آمریکا باز خواهد کرد.»

وی اضافه کرد: «دنیا چهره متفاوت ایران قوی را خواهد دید: آنگاه هیچ آمریکایی در امنیت نخواهد بود و آتش

رئیس ستادکل نیروهای مسلح از تجدیدنظر در دکتربین نظامی کشور خبر داد

تغییر از دفاع به آفند

خبر

گذشته تاکنون پایدار ایستاده و او را به شکست‌های پی‌درپی واداشته‌اند، از جمله در جنگ پیچیده، چندوجهی و ترورسیتی اخیر، محاسبات دشمن را به هم ریختند. وی ادامه داد: «ملت ایران در طول این ۷۷ سال بارها ثابت کرده‌اند که ایران بلعیدنی نیست و سرانجام آن لچوج خیره‌سری که درس نمی‌گیرد، خفه خواهد شد.»

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، با اشاره به تهدیدها و لفاظی‌های مقامات

امیر سرلشکر «سید عبدالرحیم موسوی» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بازدید شبانه‌ای که از آمادگی یکی از یگان‌های نیروهای مسلح داشت، از تغییر دکتربین نظامی ایران خبر داد.

سرلشکر موسوی طی سخنانی، اظهار کرد: «ملت ایران در مقابل خوی استکباری و تجاوزگری آمریکا، از